

یادداشت

فشار مضاعف بر سالمندان و معلولان



سعید خادمی

مشاور رئیس سازمان بهزیستی کشور

سالمندان و افراد دارای معلولیت همیشه گروه‌های آسیب‌پذیر جامعه بوده‌اند اما در شرایط اقتصادی کنونی، این آسیب‌پذیری بیشتر از همیشه شده است. طبق پیش‌بینی‌ها تا سال ۲۰۳۱، ۳۱٫۱۴ درصد از جمعیت کشور بالای ۶۰ سال خواهند بود که این تغییر جمعیتی نیاز به حمایت‌های بیشتر و بهتر را ضروری می‌کند. افزایش تورم و قیمت کالاهای اساسی، سالمندان و معلولان را بیشتر از هر زمان دیگری با مشکلات اقتصادی مواجه کرده است. این افراد به دلایل مختلف چه جسمی و چه ذهنی نیازمند خدمات خاص و ویژه‌ای هستند از مراقبت‌های روزمره و تجهیزات پزشکی گرفته تا دسترسی به حمل‌ونقل مناسب و خدمات توان‌بخشی و خانواده‌ها اغلب این بار سنگین را بر دوش دارند اما گاهی با توجه به محدودیت منابع نمی‌توانند همیشه تمام نیازها را برآورده کنند. سازمان‌های خیریه و مراکز حمایتی در تلاش‌اند تا این خلأها را پر کنند اما به دلیل منابع محدود گاهی این نهادها هم قادر به پوشش همه نیازها نیستند و هرگونه کوتاهی در ارائه خدمات، مستقیماً بر کیفیت زندگی این گروه‌ها تأثیر می‌گذارد و مشکلاتشان را تشدید می‌کند. سازمان بهزیستی کشور با بیش از چهار دهه تجربه همواره نقش مهمی در حمایت از سالمندان و معلولان داشته است. مستمراً، کمک هزینه‌ها، تاسیس مراکز توان‌بخشی و مناسب‌سازی محیط‌ها تنها بخشی از اقداماتی است که این سازمان انجام می‌دهد. اما این تلاش‌ها به تنهایی کافی نیستند. در چنین شرایطی، همکاری دیگر نهادها و همچنین خود افراد معلول و خانواده‌ها اهمیت زیادی پیدا می‌کند. آموزش مهارت‌های شغلی به افراد معلول، مشارکت آنها در تصمیم‌گیری‌های محلی و ایجاد شبکه‌های حمایتی در جامعه می‌تواند فشار را از دوش سازمان‌های خد مدانی بردارد این همکاری نه تنها به افراد معلول و سالمند کمک می‌کند تا استقلال بیشتری پیدا کنند بلکه به جامعه این امکان را می‌دهد که پاسخ‌های بهتری به نیازهای این گروه‌ها آسیب‌پذیر بد دهد. معرفی افراد دارای معلولیت موفق در مشاغل مختلف یکی از راه‌های مؤثر برای ترویج پذیرش این افراد در بازار کار است، این اقدام نه تنها می‌تواند به تغییر نگرش‌ها در جامعه کمک کند بلکه پیامدهای مثبت زیادی برای کارفرمایان نیز به همراه خواهد داشت. با نشان دادن موفقیت افراد معلول در مشاغل مختلف می‌توان ثابت کرد که این افراد توانایی دارند به‌طور مؤثر و با تعهد بالا به محیط‌های کاری فعالیت کنند این مسئله می‌تواند به ایجاد اعتماد میان کارفرمایان و افراد دارای معلولیت کمک کند و پذیرش این افراد در مشاغل مختلف را تسهیل کند. معرفی کارفرمایانی که موفق به استخدام افراد دارای معلولیت شده‌اند نیز می‌تواند الگوی مناسبی برای دیگر کارفرمایان باشد، این معرفی‌ها نه تنها نشان‌دهنده تعهد این کارفرمایان به مسئولیت اجتماعی‌شان است بلکه می‌تواند سایر کارفرمایان را ترغیب کند تا فرصت‌های شغلی برای افراد معلول فراهم کنند در نهایت چنین اقداماتی می‌تواند به اشتغال بیشتر افراد دارای معلولیت کمک کرده و آنها را در مسیر استقلال اقتصادی و اجتماعی قرار دهد. در همین حال، دولت و مجلس نیز باید شرایط قانونی و بودجه‌ای لازم را برای حمایت‌های پایدار فراهم‌کنند به عنوان مثال قانون حمایت از حقوق معلولان که یکی از مطالبات اصلی این قشر است برای اجرای کامل در سال ۱۴۰۴ به ۱۰۹ هزار میلیارد تومان اعتبار نیاز دارد در حالی‌که ۲۳ هزار و ۸۰۰ میلیارد تومان در قانون بودجه ۱۴۰۳ برای آن در نظر گرفته شده است بنابراین تصویب قوانین حمایتی، تخصیص منابع کافی به مراکز توان‌بخشی، ایجاد خدمات درمانی و بیمه‌های مکمل و فراهم‌آوردن فرصت‌های شغلی برای معلولان از جمله اقداماتی است که باید به‌طور جدی پیگیری شوند. این اقدامات در کنار تلاش‌های سازمان بهزیستی می‌تواند فشارهای اقتصادی و اجتماعی را کاهش دهد و زمینه را برای توانمندسازی و مشارکت اجتماعی این افراد فراهم کند. نباید فراموش کنیم که فقر و محرومیت اقتصادی نه تنها مشکلات اقتصادی این گروه‌ها را بیشتر می‌کند بلکه می‌تواند به افزایش معلولیت‌ها و بیماری‌های مزمن دامن‌بزند بنابراین حمایت از این افراد تنها یک وظیفه اخلاقی است بلکه یک سرمایه‌گذاری اجتماعی است که به کاهش نابرابری‌ها، ارتقای سلامت عمومی و تقویت همبستگی اجتماعی منجر خواهد شد. باید بپذیریم که تلاش‌های سازمان بهزیستی و دیگر نهادها وقتی با همکاری همه‌جانبه جامعه همراه باشد می‌تواند تصویری امیدوارکننده از آینده ترسیم کند. با حمایت مستمر و مشارکت فعال جامعه، سالمندان و معلولان می‌توانند در جامعه نقش پررنگ‌تری ایفا کنند، خانواده‌ها با پشتیبانی مناسب می‌توانند مراقبت‌های بهتری ارائه دهند و جامعه نیز با فراهم کردن شرایط برابر به سوی تحقق عدالت اجتماعی حرکت خواهد کرد.

چهارشنبه

۰۵ ۰۹ ۰۴ ۱۴۰۵

۵۵ جمادی‌الثانی ۱۴۴۷ / ۲۶ نوامبر ۲۰۲۵

سال هشتم

شماره ۲۲۶۱

armanmeli.ir

«آرمان ملی» از مازجاری دنباله‌دار بنزین گزارش می‌دهد

فرجام نرخ بنزین در پاستور



آرمان ملی – مرتضی خبازیان زاده؛ سرانجام کلید در قفل چرخید و دولت تصمیم سخت را گرفت. از سال ۹۸ و با تغییر قیمت بنزین، به دلیل اتفاقات تلخ آن سال، دو دولت بعد از آن ماجرانتوانستند به موازات افزایش تورم، قیمت بنزین را بهینه کنند. از یکسو کشور با هزینه سنگین ناشی از افزایش مصرف مواجه بود و از سوی دیگر در برابر دیدگان بخشی از بنزین کشور قاچاق می‌شد. تفاوت قیمت تمام‌شده در دو سوی مرز، چنان چشمگیر بوده که برخی را وارد چنین راه‌بر هول و هراسی کرده است. دولت پزشکیان هم از همان ابتدای در دست‌گرفتن امور، درباره بنزین اظهارنظر می‌کرد. در تمام این مدت از سیاست اظهارانکار استفاده شد تا حرارت مطلب گرفته شود و ظاهر گرفته‌شده است. با تصویب هیات دولت، از نیمه دوم آذر سوخت‌گیری خودروها با کارت سوخت جایگاه‌ها با قیمت ۵۰۰۰ تومان خواهد شد. نرخ اول براساس سهمیه ماهانه ۱۵۰۰ تومان و نرخ دوم ۳ هزار تومان خواهد بود. اشخاص دارای بیش از یک خودرو، فقط برای یک خودرو سهمیه اول و دوم بنزین را خواهند داشت و مابقی به نرخ سوم تعیین می‌شود.

یکی از مهم‌ترین دلایلی که دولت نمی‌توانست به‌راحتی قیمت بنزین را تغییر دهد و بهینه‌کردن قیمت بنزین به

داستانی طولانی و ناتمام تبدیل شده بود، پیامدهای

اقتصادی، اجتماعی و سیاسی چنین تصمیمی بوده است.

هرچه باشد بنزین کالایی بسیار حساس و پرمصرف است و هر تغییری در قیمت آن می‌تواند به سرعت بر قیمت بسیاری از

کالاها و خدمات دیگر اثر بگذارد. افزایش قیمت بنزین معمولاً

باعث رشد هزینه حمل‌ونقل، تولید و توزیع می‌شود و این

موضوع می‌تواند به افزایش تورم و فشار بیشتر بر خانوارها منجر

شود؛ مسأله‌ای که دولت‌ها معمولاً از آن هراس دارند. از سوی

دیگر، بنزین با زندگی روزمره مردم ارتباط مستقیم دارد. هر

تغییری در قیمت آن می‌تواند به نارضایتی عمومی منجر شود.

تجربه‌های قبلی نشان داده که افزایش قیمت بنزین در ایران

با نگرانی‌های اجتماعی همراه بوده و دولت‌ها برای جلوگیری از

تنش‌های احتمالی، بسیار محتاطانه با آن برخورد می‌کنند.

هدیه مجلس هفتم

در آبان ۱۳۹۸، تصمیم ناگهانی دولت برای افزایش سه‌برابری قیمت بنزین موجب بروز یکی از گسترده‌ترین تنش‌های اجتماعی در کشور شد. این تغییر بدون اطلاع‌رسانی تدریجی اعلام شد و متعاقب این افزایش ناگهانی نگرانی‌گسترده‌ای درباره فشار اقتصادی، تورم و دشواریت شدن تأمین معیشت ایجاد کرد. تجربه التهاب اجتماعی این ۹۸ نشان داد که هرگونه تغییر در قیمت کالاهای پایه به‌ویژه بنزین بدون اجماع‌سازی، شفافیت و برنامه‌ریزی حمایتی می‌تواند پیامدهای سنگینی به همراه داشته باشد و بر رابطه دولت و جامعه تأثیر عمیق بگذارد. بخشی از این التهاب ریشه در سال‌های گذشته داشت. در حالی که می‌شد قیمت حامل‌های انرژی به‌مرور و با افزایش تورم تغییر کند اما در مجلس هفتم قرار شد دولت اجازه تغییر و افزایش قیمت حامل‌های انرژی را نداشته باشد. این بود که قیمت بنزین بعد از چند سال به نسبت تورمی که ایجاد شده بود، بسیار ارزان‌تر از قیمت واقعی شده بود. حالا دیگر روشن شده که مجلس هفتم به ریاست حداد عادل به دلیل رویارویی سیاسی که با دولت خاتمی داشت، چنین تصمیمی گرفت. خود حداد عادل تصمیم بر ثبات قیمت حامل‌های انرژی را به مثابه عیدی دانست که مجلس هفتم به مردم می‌داد. احتمالاً خود حداد عادل و نماینده‌های اصولگرای مجلس هفتم نمی‌توانستند پیش‌بینی کنند که با این کار چه طلمه سنگینی به کل کشور وارد می‌کنند. افزایش قیمت بنزین در سال ۹۸ و به التهابات اجتماعی منجر شد. بعد از یک دوره طولانی ثبات قیمت انجام می‌شد و مردم دست به واکنش زدند. اکنون که تورم کشور به ۴۵ درصد رسیده، نگرانی و دلهره از واکنش مردم به افزایش قیمت بنزین یکی از دلایلی بوده که دولت را برای هرگونه تغییری دچار تردید کرده بود. با این حال ارزان بودن

قیمت بنزین در کشور راه قاجاق وسیع این فرآورده حیاتی را باز

کرد. در گزارشی که خبرگزاری مهرنیز منتشر کرد، میزان قاچاق

سوخت در سال گذشته به حدود ۴۴۰ میلیون لیتر اشاره شده،

اما مشخص نیست دقیقاً چه سهمی از آن بنزین بوده است. در

اعتمادآنلاین هم گفته شد که «روزانه بین ۲۰ تا ۳۰ میلیون لیتر

فرآورده نفتی (بنزین و گازوئیل) از کشور قاچاق می‌شده است.

به عبارت دیگر پایین ماندن قیمت بنزین به موازات افزایش یا

پایداری تورم در حد همین ۴۵ درصد، نتیجه جزا افزایش قاچاق

بنزین نخواهد داشت.

بودجه و یارانه‌ها

عامل دیگری که با بنزین گره خورده، مسئله بودجه و یارانه

است. دولت برای ثابت نگه‌داشتن قیمت بنزین معمولاً یارانه

سنگینی پرداخت می‌کند. حذف یا کاهش این یارانه‌ها از یک

طرف به کاهش فشار بود چه کمک می‌کند، اما از طرف دیگر

نیازمند برنامه‌ریزی دقیق برای حمایت از اقشار آسیب‌پذیر

است. اجرای چنین برنامه‌هایی زمان‌بر و پیچیده است. اکنون

که دولت تصمیم به افزایش قیمت بنزین گرفته، لازم‌است درباره

افزایش درآمد ناشی از این تغییر قیمت با مردم شفاف باشد.

در صورتی که برای مردم اینهایی از عملکرد دولت وجود داشته

باشد، تغییر قیمت بنزین، حتی اگر بتواند از هدر رفتن سرمایه

کشور به شکل قاجاق جلوگیری کند، باز هم همراهی مردم را به

با خود نخواهد داشت. دولت باید توازن بین درآمد، هزینه‌ها،

رضایت عمومی و ثبات اقتصادی را حفظ کند. از آنجا که بنزین

نقش مهمی در این توازن دارد، هرگونه تغییر قیمت آن نیازمند

بررسی عمیق، برنامه‌ریزی چندمرحله‌ای و در نظر گرفتن

پیامدهای کوتاه‌مدت و بلندمدت است و اگر دولت تاکنون

نمی‌توانسته قیمت بنزین را تغییر دهد، بسیار مناسب است

برای مردم جزییاتی را که به این تصمیم منجر شده، برای مردم

گفته شود. باید برای مردم شرح داده شود که کدام محاسبه واز

چه زوایه‌ای تصمیم به افزایش قیمت بنزین گرفته شده است.

مخالفان افزایش قیمت

با همه اینها برخی تحلیلگران اقتصادی واجتماعی و سیاسی

مخالف افزایش قیمت بنزین هستند. در آبان ۹۸ وقتی افزایش

قیمت بنزین مطرح شد، برخی نمایندگان مجلس می‌گفتند که

راه‌های بهتری مثل بهینه‌سازی مصرف یا جلوگیری از قاچاق

وجود دارد تا افزایش قیمت. در همین مرحله هم افزایش قیمت

بنزین مخالفانی داشته است. رمضانعلی سنگدوبنی نایب

رئیس کمیسیون انرژی مجلس با اشاره به زمزمه‌های افزایش و

چند مرتبه شدن قیمت بنزین تأکید کرد: «اکثریت نمایندگان

مخالف جدی این موضوع هستند چرا که معتقدیم این اقدام

فشار را بر مردم بیشتر خواهد کرد، او همچنین تأکید کرد: «در

آرمان ملی

سیاست

ذره بین

مذاکره مسلحانه و خطر یک تله دیگر

چگونه تهران آماده دور تازه درگیری احتمالی می‌شود؟ به رغم برخی واکنش‌های در ظاهر سرسختانه، به نظر می‌رسد تهران در حال بررسی یک رویکرد دیپلماتیک نرم‌تر است. گاردین مدعی شد؛ در پی حملات ماه ژوئن آمریکا و اسرائیل، جمهوری اسلامی ایران در حال برداشتن اولین گام‌های محتاطانه برای تقویت توانایی‌های آسیب‌دیده خود است و به دنبال حمله اسرائیل به مذاکره‌کنندگان حماس در قطر که کشورهای خلیج فارس را آشفته کرد، روزه بازیکی برای بهبود روابط منطقه‌ای می‌بیند.

تغییر بزرگ

عدم محکومیت حملات به ایران در ماه ژوئن از سوی اروپا، هنوز هم مایه شگفتی مقامات ایرانی است. اعتراف اخیر ترامپ به این‌که کاملاً در برنامه‌ریزی این عملیات نقش داشته ‌ان‌هم در شرایطی که وانمود می‌کرد در حال مذاکره با ایران است – این خشم را تشدید کرده است. دیپلمات‌های ایرانی به یاد می‌آورند در حالی که برای ششمین دور مذاکرات آماده می‌شدند، ساعت ۳ بامداد با خبر بمباران بی‌امان از خواب بیدار شدند – و ساعاتی بعد، استیو ویتکاف، نماینده ویژه ترامپ، منکران شد که از حملات اطلاعی داشته است. ایران اکنون نه تنها این تجربیات را در پیش روی خود دارد، بلکه تلاش می‌کند از آن برای تغییر موقعیت خود در منطقه استفاده کرده و دست دوستی به سوی کشورهایی مانند عربستان سعودی، مصر و قطر دراز کند. عراقی گفته: «ایران امنیت کشورهای منطقه را امنیت خود می‌داند و می‌خواهد «اعتماد پایدار» اساس و محور فضای جدید در این منطقه باشد». تریتا پارسی، معاون اجرایی موسسه کوئینسی برلی حکمرانی مسئولانه، معتقدست که ایران می‌تواند گوش شنوایی را پیدا کند. به گفته پارسی: «جس از حمله اسرائیل به قطر در ماه سپتامبر، تغییر بزرگی در نگاه شورای همکاری خلیج فارس به طور کلی ایجاد شده است. این سال‌ها آنها ایران را تهدید اصلی می‌دانستند. سرمایه‌گذاری آنها در تسلیحات و امثالهم تماماً معطوف به محافظت در برابر ایران بود. اکنون از نگاه آنها ایران آسیب دیده به دنبال خصومت‌ورزی با آنها نیست، و در مقابل، اسرائیل کاملاً جسور و بی‌مهار شده است.»

دشمن اصلی

اکنون، برخی از مقامات ایرانی با افتخار به سخنرانی اخیر بدر بن حمد البوسعیدی، وزیر امور خارجه عمان، در یک مجمع سیاست خارجی اخیر در بحرین اشاره می‌کنند که صریحاً گفت: «اسرائیل، نه ایران، منبع اصلی ناامنی در منطقه است» محمد مزندی، چهره امور گراییک به‌راها با اظهارتش جنجال آفریده، در سخنرانی خود در نشست مذکور در تهران با اشاره به این‌که نظم جهانی در حال تغییر اساسی است، گفته در نتیجه رکود اقتصادی ایالات متحده، «استثنائگرایی آمریکایی دیگران نفوذی را که در افکار عمومی ایالات متحده داشت، ندارد»، به باور او، به‌طور همزمان، تصاویر غره در حال تغییر دیدگاه آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها نسبت به اسرائیل بوده و ایران باید از این لحظه برای ایجاد اتحاد استفاده کند. او گفت: «در زمانی که فضای جهانی به‌طور قابل توجهی در حال تغییر است، واضح است که فرصت‌هایی برای بهبود روابط بین کشورهای منطقه وجود دارد. البته، به دلیل تاریخ و ماهیت برخی از کشورهای منطقه، این تبادل‌ات هنوز دشوار خواهد بود، اما این بهترین فرصت در حال حاضر است.»

دور دوم درگیری؟

با وجود تمام گمانه‌ها پیرامون آغاز یک دوره جدید در روابط ایران و منطقه، هیچ نشانه‌ای در این زمینه وجود ندارد که ایران از قدرت سخت یا غنی‌سازی اورانیوم دست بکشد. برخی مقامات به‌طور خصوصی می‌گویند که نگران آغاز دور جدیدی از درگیری باشند و برای حمله دیگری از سوی آمریکا قبل از ترک کاخ سفید توسط ترامپ، آماده باشند. این به معنای تجهیز مجدد و پادفند هوایی، تلاش برای خرید جنگنده‌های سوخوی روسی، توسعه زرادخانه موشک‌های بالستیک و دربردرت و فعلاً دور نگه داشتن تأسیسات هسته‌ای ویران شده خود از بازرسان هسته‌ای سازمان ملل است. عراقی گفت که روزانه با سوالاتی از سوی مردم در مورد لغو فتوای داشتن بمب هسته‌ای روبرو است. به گفته فواد ابزیدی، یک چهره محافظه‌کار جنجالی دیگر: «فشار زیادی از سوی اصلاح‌طلبان بر دولت فعلی برای مذاکره بیشتر وجود دارد، اما از سوی دیگر اصولگرایان اصرار دارند که ایران نباید دوباره غافلگیر شود. بنابراین وزیر امور خارجه در این میان گرفتار شده است. او باید محتاط باشد زیرا حملات ژوئن در زمان اوج داد و مردم می‌پرسند چرا و متوجه شد که این یک عملیات فریب‌بوده است؟ او از این بابت تحت فشار است». ابزیدی باور دارد که ایالات متحده، تحت فشار اسرائیل، دوباره به میدان نبرد باز خواهد گشت. به گفته او، «فکر نمی‌کنم کار آنها تمام شده باشد. آنها تصور می‌کنند ایران ضعیف است و هیچ محذورت اخلاقی هم ندارند... هدف اسرائیل تبدیل ایران به سوریه یالیبی دیگری است.»

یک تله دیگر؟

به گفته سعید خطیب‌زاده، معاون وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی: «اگر مذاکره‌ای صورت گیرد، مطمئناً یک مذاکره مسلحانه خواهد بود». او دوره فعلی را «نبردی برای ترمیم و بهبودی که آینده را تعیین می‌کند» توصیف کرد. مانند بسیاری، او نگران است که مذاکره با ایالات متحده می‌تواند تله دیگر باشد.

خبر

تکان نویستی در جهان

قابلیت جدید توئیتر که در ایران موجب افشای خط سفیدها و نابرابری در دسترسی به اینترنت شد، در باقی کشورها هم مسائلی به‌وجود آورد. حسین امامی تحلیلگر رسانه نوشت: مثلاً در آمریکا افشاشد حساب طرفداران ترامپ از کشورهای خارجی مثل روسیه، نپیره و... مدیریت می‌شود. در ترکیه، کاربرانی که به زبان ترکی محتوای ضد فلسطینی و در حمایت از اسرائیل منتشر می‌کردند مشخص شد که به‌صورت حساب جعلی و از کشورهای مثل اسرائیل، امارات یا هند مدیریت می‌شوند. حساب‌هایی که مدعی طرفدار خود جوش سیاست‌های دولت چین بودند، ساختار یافته و طی عملیات رسمی فعالیت می‌کردند. اما در هیچ‌کجا به اندازه ایران بحث اجتماعی عمیقی مثل نابرابری اینترنت و استفاده از زانت ایجاد نکرده است.

شکرای اروپایی حساب می‌کنیم». عمو ف افزود اوکرانین مشتاق است سفر ژلنسکی به آمریکا را برنامه‌ریزی کند تا «گام‌های نهایی برداشته شود و توافق با رئیس‌جمهور (دونالد) ترامپ نهایی گردد». این در حالی است که «ولودیمیر ژلنسکی» رئیس‌جمهور اوکرانین در سخنرانی شبانه خود گفت که لازم است کار بیشتری روی این طرح اصلاح‌شده انجام شود.

پس از مذاکرات آخر هفته، مقام‌های روسیه گفته بودند که درباره آنچه در ژنو مورد بحث قرار گرفته با اصلاحاتی که پس از مذاکرات میان مقام‌های آمریکایی و اوکراینی انجام شده، هیچ به‌روزرسانی‌ای دریافت نکرده‌اند. در پایان مذاکرات ژنو، روبیو به ایالات متحده باگشت و دریسکول به ابوظبی رفت تا با یک هیأت روسی دیدار محرمانه‌ای انجام دهد؛ دیداری که در آن درباره تغییرات اعمال شده در طرح ۲۸ بندی واشنگتن گفتگو شده است.

به گزارش رسانه آمریکایی، نقش‌کلیدی وزیر ارتش آمریکا در تلاش‌های دولت «دونالد ترامپ» برای احیای روند گفت‌وگوهای صلح، پس از گفت‌وگوی ۲ هفته پیش میان ترامپ و معاون او «جی دی ونس» آشکار شد. به‌طور معمول، وزیر نیروهای مسلح آمریکادر چنین ابتکار دیپلماتیک مهمی دخالت نمی‌کند؛ اما ای‌بی‌سی گزارش می‌دهد که احتمالاً اعزام یک مقام نظامی برای روسیه و اوکرانین اقدامی مثبت تلقی شده است.



این مقام آمریکایی گفت: «اوکراینی‌ها با توافق صلح موافقت کرده‌اند. چند جزئیات کوچک باقی مانده که باید مشخص شود، اما آنها با یک توافق صلح موافقت کرده‌اند». این گفت‌وگوهای از پیش اعلام‌نشده با هیأت روسی در روز دوشنبه پس از مذاکراتی انجام شد که این هفته میان آمریکا و اوکرانین در ژنو برگزار شد و جدیدترین نشانه از پیشرفت طرح جدید آمریکا برای احیای روند صلح در اوکرانین است.

«جفری تالبرت» سخنگوی ارتش آمریکا امروز گفت: «وزیر ارتش و تیم او در حال گفت‌وگو با هیأت روسی برای دستیابی به یک صلح پایدار در اوکراین بوده‌اند. مذاکرات خوب پیش می‌رود و ما همچنان خوش‌بین هستیم. دریسکول در این مذاکرات، کاملاً با